

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۷

فضاهای ویژه و مشارکت زنان در فعالیتهای فراغتی

دکتر رحمت الله فرهودی*

لیلا حبیبی**

دکتر حسین حاتمی نژاد***

مریم جعفری مهرآبادی****

فاطمه سالاروندیان*****

چکیده

پژوهش حاضر در نظر دارد تأثیراتی که فضاهای فراغتی نظیر پارک بهشت مادران بر ابعاد مختلف اوقات فراغت زنان نظیر شیوه‌های گذران اوقات فراغت، ساعات آن، علل گذران و... دارد را مورد مطالعه قرار داده و میزان مشارکت و رضایت آنها را از چنین فضاهایی مورد سنجش قرار دهد. پارک مذکور به عنوان اولین پارک مخصوص زنان در شهر تهران احداث شده است و با توجه به کمبود

* استادیار دانشکده جغرافیایی دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران نویسنده مسئول: leila.habibi61@gmail.com

*** استادیار دانشکده جغرافیایی دانشگاه تهران

**** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

***** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

پژوهش‌های مورد نظر در این زمینه مقاله حاضر می‌تواند به عنوان نقطه آغازی برای پژوهش در ارتباط با این فضاها تلقی شود. از این رو ابتدا با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر پرداخته و سپس با استفاده از روش تحقیق مبتنی بر پرسشنامه از جامعه آماری مورد نظر (۹۳ نفر) نظر سنجی به عمل آمد. سپس آمار و اطلاعات خام با نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین بعضی از متغیرها (مانند سن، تحصیلات، شغل و...) در ارتباط با ساعات اوقات فراغت زنان با آزمون‌های آماری فی - کرامر و اسپیرمن مورد تحلیل قرار گرفت و به بررسی تاثیرات و میزان معناداری بین آنها پرداخته شد. پس از تحلیل اطلاعات به دست آمده، نتایج آماری حاکی از رضایت زنان از احداث چنین پارک‌هایی بوده و عملکرد این پارک به صورت کلی مثبت ارزیابی شده است. از طرف دیگر در مورد نقش متغیرها، متغیر مستقل میزان تحصیلات رابطه معناداری با متغیر وابسته‌ی ساعت اوقات فراغت آنها داشته است. در نهایت با توجه به رضایت زنان از این فضاها به نظر می‌رسد که این نوع پارک می‌تواند به عنوان الگوی فضایی برای زنان کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد و یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری انگیزه در زنان برای گذران مفید اوقات فراغت خود و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی معرفی شود. بدیهی است که ساماندهی فعالیتهای موثر و مفید برای زنان در این پارک‌ها باید مورد توجه مسئولان مربوطه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، زنان، فضاهای شهری، بوستان بهشت مادران

مقدمه

پدیده فراغت در جوامع انسانی به ویژه جوامع مدرن، عملی سازمان یافته و یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی است. در این میان فراغت زنان به دلیل حساسیتهایی که در زندگی اجتماعی آنان و جوامع وجود دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اینکه جامعه ما تقریباً جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته تعبیر می‌شود به همان میزان برنامه‌ریزی در امور مختلف نیز تحت تاثیر این امر قرار خواهد گرفت. موضوع فراغت زنان نیز به دلیل تعابیر مختلفی که از امور زنان وجود دارد و

راهکارهای سنتی و غیر سنتی که در راستای در حال گذار بودن جامعه ما ارائه می شود نیازمند کنکاش زیادی است. در این میان تصور مردان از فراغت زنان، تصور زنان از فراغت خود، جایگاه فراغت آنها در قوانین و مقررات و مواردی از این قبیل نقشی تعیین کننده در شیوه گذران فراغت آنها خواهد داشت. به نظر می رسد عمده ترین رسالت متولیان برنامه ریزی شهری شناخت جغرافیای فراغت زنان و فراهم کردن بسترهای لازم به خصوص در کشورهای اسلامی است. به عبارت دیگر بررسی ارتباط منطقی میان موضوع زنان، فراغت و فضا از عمده اهدافی است که متولیان شهری باید به آن توجه داشته باشند.

بدیهی است زنان با دیدگاههای مختلف بسته به سطح تحصیلات، پایگاه خانوادگی، نگرش همسر و به گذران اوقات فراغت می پردازند. اما در این میان ویژگیهای خاص ایدئولوژیک در کشورهای اسلامی و لزوم رعایت حجاب در فضاهای عمومی باید متولیان شهری را به سمت برنامه ریزی برای فراهم کردن فضاهای مختص زنان سوق دهد.

یکی از این فضاها بوستانهای شهری است که اخیراً در ایران شهرداریها بوستانهایی ویژه زنان ایجاد کرده اند. در این پژوهش به میزان رضایت زنان از این نوع پارکها، تأثیر این فضاها بر گذران اوقات فراغت زنان، میزان مشارکت زنان در فعالیت های فراغتی به خصوص در فضاهای ویژه بانوان و ارتباط میان عوامل مختلف با گذران اوقات فراغت آنها می پردازیم. این پژوهش اختصاصاً به بوستان مخصوص بانوان (بهشت مادران) که در تهران برای گذران اوقات فراغت زنان در نظر گرفته شده است می پردازد. به عبارت دیگر این پژوهش در صدد است تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که آیا عملکرد بوستان مخصوص بانوان از سوی استفاده کنندگان این فضاها مثبت ارزیابی می شود یا خیر.

چارچوب نظری

با توجه به عنوان این پژوهش که میزان مشارکت زنان در فعالیتهای فراغتی را در فضاهای ویژه ای همچون پارک بهشت مادران و تأثیر فضاهای فراغتی را بر گذران

اوقات فراغت و الگوهای آن در بین قشر خاصی از جامعه که درصد بالایی از جمعیت را به خود اختصاص می دهد بررسی می کند، لازم است ابتدا به ذکر دیدگاههایی در ارتباط با نحوه برخورد با مسائل زنان که اوقات فراغت آنها نیز یکی از مسائل اساسی زندگی آنها است اشاره شود. دیدگاههایی که از یک سو به اهمیت اوقات فراغت و از طرف دیگر اهمیت آن در زندگی زنان و همچنین موضوع فضا و فراغت و زنان می پردازد.

برخی از اندیشمندان اجتماعی عقیده دارند که زمان فراغت از ابتدای زندگی اجتماعی بشر و دورانهای گوناگون همه تمدن‌ها وجود داشته است (دومازدیه، ۱۳۵۴: ۱۳). بر این اساس بشر اولین نبوغ خود را به صورت نقاشی بر دیوارها و در جریان اوقات فراغت خود ظاهر ساخته است (شورای رفاه اجتماعی، ۱۳۵۲: ۱۸).

در ایران قدیم ایرانیان اوقات فراغت خود را به اسب سواری، تیراندازی، شکار، درختکاری و شرکت در مراسم و جشن‌ها می گذرانند (راوندی، ۱۳۶۷: ۱۶۲). در جوامع سرمایه داری و بویژه با توسعه صنعت و فناوری، رشد تولید، تقسیم اجتماعی کار، کاهش نیاز جامعه به کار انسانی و نیز جدایی فرد از جماعت و برخوردار شدن از هویت فردی، زمان فراغت از زمان کار متمایز شد و در تعامل با آن قرار گرفت. بتدریج کار آن فعالیتی دانسته شد که عمدتاً کار دستمزدی و استخدامی نامیده می شود. فراغت نیز فعالیتی شناخته شد که فرد جدا از کار موظف و اجباری اش انجام دهد (قاضی مرادی، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۶).

موریش به دلایل پیدایش مسئله اوقات فراغت به سبک جدید اشاره می کند و می گوید امکانات برای فعالیتهای اوقات فراغت رو به افزایش است، ولی کیفیت فعالیتهایی که هر فرد دنبال می کند تا حدود زیادی نشانگر سابقه اجتماعی و یادگیری اوست. اگر حاصل جمع خوشبختی ما نه فقط به کار، بلکه به اوقات فراغت نیز بستگی داشته باشد، در آن صورت آموزش مدرسه ای باید به طریقی در جهت ارضای موفقیت آمیز این نیاز سوق داده شود (موریش، ۱۳۷۳: ۷۲).

موضوع فراغت زنان جذابیت و اهمیت خاصی دارد. زیرا پیوند و ترکیب این دو

موضوع با توجه به حساسیت مربوط به مسائل زنان و فراغت آنها از نظر اجتماعی به خصوص در جامعه ایدئولوژیکی مانند ایران به برنامه ریزی و سیاستهای خاصی نیازمند است. از این رو در این بخش به عمده ترین دیدگاههایی که در ارتباط با این دو موضوع وجود دارد اشاره خواهیم کرد:

به طور کلی مباحث و مسائل مربوط به زنان در قالب دیدگاههای فمینیستی در دهه های اخیر به اوج خود رسیده است که خواه ناخواه موضوع اوقات فراغت نیز یکی از مباحث مربوط به زنان است.

معمولاً چنین تصور می شود که تقسیم کار براساس جنسیت امری طبیعی و گزیرناپذیر است و ناهمگونی های جنسی و مسئله تولیدمثل ایجاب می کند که زنان مراقب و پروراننده کودکان باشند. در این دیدگاه فرض بر آن است که عوامل زیستی تعیین کننده رفتارهای اجتماعی و فرهنگی است و گزینه زنان را به طور طبیعی به طرف مادری، کارهای خانه و مراقبت از کودک سوق می دهد. اما پیام زیستی جنس به تدریج در اثر عوامل فرهنگی و اجتماعی تغییر می کند و به شکل «جنسیت» ظاهر می شود. یعنی تقسیم زیستی بین مذکر و مونث با توجه به تفاوت های اجتماعی مردبودگی و زن بودگی یا به عبارت دیگر داشتن صفات زنانه و مردانه بروز می یابد. تعاریف فرهنگی جنسیت به مرور زمان هم در درون یک جامعه و هم در بین جوامع مختلف تغییر می کند. این تعاریف منشا تعریف زنان و مردان هر جامعه از خودشان و نیز منشا نقش های جنسیتی است (هیوود، ۱۳۸۰: ۳۶۴).

به عبارت دیگر یکی از تقسیمات اجتماعی که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می شود جنسیت است. جنسیت نوعی ساختار اجتماعی است و به استنباط جامعه از رفتار، ویژگی ها و نقش های مناسب برای مردان و زنان مربوط می شود. بر اساس سن و جنس طیفی از دلالت ها و انگارش ها در مورد رفتار مناسب اجتماعی وجود دارد که فعالیت های اوقات فراغت را توضیح می دهد.

برای درک دقیق تر این که تقسیمات اجتماعی چگونه بر اوقات و فعالیت های فراغت اثر می گذارد، لازم است به دو بعد همبسته توجه نماییم که به پیامدهای عینی و ذهنی این تقسیمات مربوط اند. بعد عینی به وضعیت شخص در بازار کار، شغل،

آموزش، تحصیلات، درآمد و مسکن مربوط است. ولی بعد ذهنی به برداشت‌های اجتماعی و فرهنگی و انگارش‌های شخصی مربوط است که از طریق نهادهای اجتماعی حفظ و بازتولید می‌شود.

فمینیست‌های لیبرال که در دهه ۱۹۶۰ مبارزاتی برای کسب حقوق برابر با مردان و ایجاد فرصت‌های کاری و آموزشی برای زنان آغاز کردند، پایگاه‌های اصلی دگرگونی نظام تبعیض‌آمیز سرمایه‌داری را، اندیشه‌ها و شیوه تفکر درباره زن و زن‌بودگی می‌دانستند. تفکری که زنان را نه فقط به سبب به دنیا آوردن کودکان، بلکه به بهانه زن بودن و داشتن طبیعت زنانه، به انجام کارهای خانه و خانواده پیوند می‌زند. این تفکر مانع از آن می‌شود که برخی از زنان به شغل مورد علاقه خود بپردازند، از فراغت بهره‌مند باشند و در حوزه‌های اجتماعی زندگی فعالیت کنند. همچنین همراه با ایدئولوژیهای مختلف، برنامه ریزیهای مربوط به شهر و مشخصات فضایی نیز می‌تواند به نابرابریهای جنسیتی دامن زند.

به نظر میشل باندز (۲۰۰۴) نظم پدرسالارانه جوامع غربی با شکل شهر تقویت شده است، زیرا فضا جنسیت زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند. ترس از خشونت و تعدی، اعتماد به نفس تعدادی از زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آنها محدود کرده است. ترس زنان انعکاس ساختارهای قدرت جنسیتی در سطح کلان جامعه است. باندز دیدگاهی که معتقد است ترس یک خصیصه اساسی زنانه است را به چالش می‌کشد و معتقد است که محدودیت تحرک زنان هم در استفاده از فضا و هم در بر ساخت هویت به معنی تحت سلطه بودن آنان است. به همین دلیل است که زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند. آنها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه ای که متعلق به آنان نیست و قوانینی که خود را به آنها دیکته می‌کند مواجه می‌شوند. اگرچه انواع متفاوتی از ترس از فضای اجتماعی وجود دارد، نوع خاصی از ترس که در اینجا مدنظر ما است، ترسی است که زنان نسبت به بدن خود دارند و به نحوی از مورد تعرض واقع شدن یا آسیب دیدن آن نگرانند (اباذری و دیگران،

۱۳۸۷). بنابراین، مسئله اوقات فراغت با موضوعی همچون تصور افراد نسبت به امنیت در فضاهای شهری نیز پیوند می خورد.

توجه خاص به امنیت جنسیتی و حضور موثر و تعاملی زنان در محیط های عمومی شهری بسیار حائز اهمیت است. بدان معنا که ضمن توجه به تفاوت های فیزیولوژیک و نیازهای لازم برای تأمین آن، باید به مفهوم مشارکت روحی و اجتماعی زنان در ایجاد و تقویت امنیت محیط های شهری نیز توجه کرد. این امر سبب می شود تا ضمن تقویت حس تعلق مکانی، حس ترس و ناامنی آنها از حضور موثر و تاثیرگذار در فضاهای شهری از بین برود.

ایجاد محیطی ایمن که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی (بدون ترس و حس ناامنی) و مکث و در نتیجه تعامل اجتماعی بیشتر بکند، در واقع نه تنها به ارتقای کیفیت عمومی فضاهای شهری کمک می کند، بلکه به واسطه افزایش شمار مردم ناظر و حاضر در محیط می تواند زمینه بروز گرایشات توسعه ای را نیز گسترش دهد (Lubuva, 2004: 16).

برای نیل به هدف در طراحی برنامه ای برای ایجاد یک فضای امن برای زنان، گام اول توسعه یک پایگاه اطلاعاتی مبتنی بر شناخت خصیصه های جنسیتی است که در آن اجبارها و چالش های مقابل زنان مشخص شود تا بتوان در اعمال برنامه اجرایی بر عناصر مشخصی تمرکز کرد (Brady, 2005: 66).

برای رفع تبعیض از زنان چه در عرصه کار و چه در عرصه فراغت لازم است که طرز فکر خویش را تغییر دهیم. غالباً خود زنان با قبول این موضوع که مردان «کار واقعی» انجام می دهند، باعث گسترش اندیشه پدرسالاری می شوند و به مردان حق می دهند که اوقات فراغت داشته باشند. پژوهش ها نشان می دهد که بسیاری از زنان از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت های فراغتی احساس گناه می کنند. در نتیجه، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اطو کشیدن، شست و شو یا کارهای بافتنی همراه باشد. تحت انقیاد در آوردن زنان از طریق توجیه و الزام آنها به انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان عملی شود. زنانی که از خانه داری و بچه داری احساس رضایت نکنند، در صورت مقاومت

و مبارزه با این انتظارات فرهنگی با تعاریفی از قبیل «غیرطبیعی»، «بی توجه» یا «منحرف» روبرو می‌شوند (هیود، ۱۳۸۰: ۳۶۷).

پیشینه تحقیق

در پژوهشی که در ایران به نحوه گذران اوقات فراغت در میان دانشجویان انجام شده است، به ارتباط میان جنسیت و نحوه گذران اوقات فراغت اشاره شده که از نظر جنسیتی تفاوت‌های معناداری بین علایق پسران و دختران و نوع و مدت زمان پرداختن به فعالیتهای فراغتی دیده می‌شود (الهام پور، ۱۳۸۲).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط، از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی میل می‌کند. در تحقیقی که فریدون تندنویس در سال ۱۳۸۱ درباره اوقات فراغت زنان شهرنشین ایرانی انجام داده است، میانگین اوقات فراغت زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله شهری حدود سه و نیم ساعت در روز آن هم بیشتر در بعد از ظهرها است که بیش از دو ساعت آن صرف تماشای تلویزیون می‌شود. غالب این زنان ذکر کرده‌اند که به سبب کمبود امکانات و فضاهای مناسب و محدود بودن گزینه‌های اوقات فراغت بیشتر اوقات فراغت خود را در خانه و کنار خانواده می‌گذرانند. بر اساس نتایج این پژوهش هر چه میزان تحصیلات زنان افزایش می‌یابد، و به ویژه در نسل‌های جوان‌تر که سن ازدواج افزایش و تعداد فرزندان کاهش یافته و مشارکت مردان در کارهای خانگی رو به افزایش گذارده و مهم‌تر از همه با دگرگونی در ارزش‌ها و سبک زندگی، زنان و دختران جوان شهری وقت بیشتری برای فراغتهای شخصی فعال و برون‌خانگی، صرف و آن را به فرصتی برای شکوفایی فردی و اجتماعی بدل می‌کنند.

از این رو به ویژه در تهران شاهد آن هستیم که دختران به جای استراحت در خانه، انجام کارهای منزل، تماشای تلویزیون، ویدئو، مطالعه کتاب و روزنامه و کارهای هنری به سوی انواع فراغتهای بیرون از خانه شامل ورزش، سینما، موزه‌ها، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و مسافرت‌ها و رفتن به مراکز خرید و قدم زدن در خیابان‌ها

متمايل شده‌اند. اما با محدوديت‌ها و موانعي که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومي شهري وجود دارد به نظر می‌رسد فراغت این قشر می‌تواند از بیرون به مکان‌های سرپسته‌ای که آسیب‌های بیشتری در پی دارد کشانده شود. سياست‌های فرهنگي معطوف به فضاهای فراغتي می‌تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غير آسیب‌زای اوقات آزاد دختران و زنان جوان را بارور سازد.

بیرون آمدن دختران و زنان جوان از خانه و تمايل آنها به سبک‌های جديد زندگي، فراغت، مصرف و مد، نشان‌دهنده دگرگوني ارزش‌ها و پيدايش مسائل هويتي در زنان و دختران جوان است. امکان حضور سالم و مناسب در عرصه‌های تحصيلی و شغلي، کسب هویت‌های مستقل و ايجاد تفکر انتقادی در این قشر از زنان می‌تواند بسياری از آسیب‌های شخصيتی و از جمله فراغت‌های آسیب‌زا، مصرف‌گرایی، مدگرایی و خريدهای تفننی را در آنها کاهش دهد. گسترش تسهیلات فراغتي برون‌خانگي از جمله فرهنگسراها و مراکز ورزشی و تفریحی برای جوانان به ویژه دختران جوان، ابعاد آسیب‌زای گذران فراغت در فضاهای بسته را کاهش می‌دهد، زیرا در هر حال با ميزانی از کنترل‌های جمعی همراه است.

رفعت جاه (۱۳۸۷) نیز اشاره دارد که در نهایت صرف‌نظر از عوامل فرهنگي که بیش از همه بر چند و چون فراغت مردان و زنان جامعه تاثیر می‌گذارد، وقت فراغت زنان تابعی است از خدمات اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی عمومي، مشارکت سایر اعضای خانواده در کار خانگي، گسترش فضاها و تسهیلات تفریحی و ورزشی عمومي برای زنان، تدارک غذای کودکان از طرف مدرسه، درآمد قابل مصرف و قابل اعتماد بودن وسیله حمل و نقل و ایمن بودن فضاهای فراغتي.

هیوود و دیگران (۱۳۸۰) اذعان می‌دارد سه عامل کلیدی در فراغت عبارت‌اند از: زمان، فعالیت و فضا. زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آنها برای اوقات و فعالیت‌های فراغتي محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آنجا به فعالیت‌های فراغتي بپردازند محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آنها دچار محدودیت است.

در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای

خانه است صرف نظر از این که آنها شغل با دستمزد داشته باشند یا نداشته باشند. بر خلاف استخدام با دستمزد، این گونه کارهای خانه حد و مرز مشخصی ندارد. مسئولیت‌های خانگی به گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. بنابراین باعث تکه‌تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. از این رو، برای زنان ترسیم خط میان کار و فراغت دشوار است و در نظر گرفتن فراغت به منزله وقت آزاد با تجربه بیشتر زنان بیگانه است.

دکتر ژیلو نتیجه تحقیقات چهار ساله خود بر پارک های قاهره، دمشق و بیروت را اینگونه بیان می‌کند: «زنان و مردان تجربه مشابهی از شهر ندارند. به دلایل فرهنگی زنان از یکسری الزامات تبعیت می‌کنند که این الزامات برای مردان وجود ندارد. در نتیجه نوع استفاده از شهر برای زنان و مردان متفاوت است».

وی همچنین اذعان می‌دارد، «احساس تعلق به سرزمین و مکان، مربوط به سرزمین و مکانی است که ما در آن احساس راحتی می‌کنیم به گونه‌ای که انگار در خانه خود هستیم. سوال این است که این تعلق زنانه و مردانه در شهر کجا است؟ زن‌ها برخلاف مردها در شهر و معابر عمومی نمی‌ایستند. آنها فقط عبور می‌کنند و مدام در حال حرکت هستند. اما مردها در هر کجای شهر توقف و سپس حرکت می‌کنند».

گائل ژیلو که بر خیابان‌های شهرهای مذکور مطالعه کرده بود، ادامه می‌دهد: «در این شهرها، زنان فقط در یک نقطه احساس تعلق مکانی دارند و آن پارک یا باغ های عمومی است. زنان در این محوطه های سبز می‌توانند توقف و استراحت کنند. فقط بوستان است که، به دلایل فرهنگی و طبیعی خاص، برای زنان این موقعیت را در شهرها فراهم می‌کند که با یکدیگر جمع شوند و توقف داشته باشند».

روشی که دکتر ژیلو برای تحقیق خود انجام داده است، روشی است که در اصطلاح انسان‌شناسی، روش توصیفی نام دارد. در این روش، بیش از هر چیز، بر مشاهده عینی و مصاحبه با کنشگران و استفاده کنندگان تاکید می‌شود.

وی اذعان می‌دارد که بر اساس این روش تحقیق هیچ پارکی را نمی‌توان پدیده‌ای مجزا و مستقل از جامعه پیرامون آن بررسی کرد. پس تحقیق در مورد یک

پارک، ارتباط تنگاتنگی با جامعه پیرامون و مصرف کنندگان آن دارد. از سوی دیگر انسان، پیش از هر چیز، در پارک با طبیعت سروکار دارد. هر چند که این طبیعت دست‌ساز انسان و اجتماعی شده است اما موجب می‌شود که آهنگ زندگی در پارک تغییر کند. دلایل این تغییر آهنگ، وجود فضای سبز، هوای سالم و سکوت است. در شهرهای کنونی، تنها از طریق پارک‌ها می‌توان «اقلیم» یا تغییر فصول را احساس کرد. به همین دلیل نوع درک و دریافت از «زمان» نیز در این گونه مکان‌ها، تغییر می‌کند. مثلاً کسانی که وارد پارک می‌شوند، از سرعت گام‌هایشان کم می‌کنند. وی که مطالعات فرهنگی بر پدیده‌های جغرافیایی انجام می‌دهد، در مورد وجه نمادین پارک، اشاره می‌کند که هر چند که پارک در شب‌ها می‌تواند نیمه پنهان خود را به نمایش بگذارد و در این نیمه پنهان، انواع بزه، جرم، گناه و رفتارهای ناهنجار صورت گیرد اما چهره روزانه پارک چهره‌ای معصوم است. امروز پارک، تصویری آرمانی و مثبت دارد. شاید در حقیقت پارک، شکل آرمانی شده شهر یا جامعه است یا تکه‌ای از بهشت. در حالی که در گذشته و در زمان تأسیس نخستین پارک‌ها در قرن نوزدهم، پارک وضعیت متفاوتی داشت. پارک در قرن نوزدهم، مکانی برای تجمع و نمایش ثروتمندان به حساب می‌آمد. ثروتمندان لباس‌ها و زیورآلات گران‌بهای خود را هنگام گردش در این پارک‌ها، در برابر دیگر ثروتمندان به نمایش می‌گذاشتند. اما به مرور پارک به مکانی مردمی تبدیل شد. مکانی که امروزه زنان می‌توانند در آن توقف، استراحت و تجمع کنند».

(<http://www.irwomen.info>)

فرانسیس بارت نیز درباره تحقیقی که در زمینه پارک‌ها به عنوان بخشی از جامعه شهری انجام داده است، توضیح می‌دهد که: «ما به جای اینکه طبیعت را در برابر شهر قرار دهیم، آن را به عنوان فضایی از شهر بررسی می‌کنیم. زیرا طبیعت امروز یک فضای اجتماعی شده است. این فضا به وسیله مسافرت در طبیعت، پیک نیک و ... اجتماعی شده است. رفتار یا عملکردی که انسان در طبیعت انجام می‌دهد، مشابه رفتار و عملکرد او در خانه است. به این معنی که این رفتارها نیز ناشی از فرهنگ است و عاری از آن نیست. وی نیز به وجه نمادین پارک در جامعه شهری امروز

اشاره و بیان می‌کند: پارک دارای یک بعد نمادین است. پارک را می‌توان به بهشت تشبیه کرد. جایی محافظت شده و زیبا. به همین ترتیب پارک نماد معصومیت، پاکی و نبود جرم نیز هست. انجام جرم در پارک، تخطی و گناه بزرگ‌تری است از آنچه که در خیابان و شهر انجام می‌شود. تحمل جرم در پارک، کمتر از تحمل همان جرم در شهر است» (<http://www.irwomen.info>).

روش تحقیق

این تحقیق بر پایه نظرسنجی از افراد استفاده‌کننده از پارک صورت گرفت که در تنظیم پرسشنامه از طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) استفاده شد. جامعه آماری مورد نظر نیز از طریق توزیع پرسشنامه به صورت نمونه‌گیری تصادفی از زنان استفاده‌کننده از پارک بهشت مادران در روزهای مختلف هفته تعداد ۹۳ نفر بوده است. انتخاب ۹۳ نفر به این دلیل بوده است که ابتدا در نوبتهای مختلف به صورت نمونه‌گیری تصادفی ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید که بعد از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، تعداد ۷ پرسشنامه به دلیل عدم پاسخگویی به بعضی از سوالات و داده‌های ناخوانا و غیر قابل قبول از لیست پرسشنامه‌ها حذف گردید و نهایتاً تعداد ۹۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس داده‌های خام بدست آمده برای تجزیه و تحلیل با نرم افزار آماری spss تحلیل شد. برای سنجش میزان صحت سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان، ضریب آلفای تمامی سوالات محاسبه و میزان صحت آنها به جز دو سؤال اثبات شد و با حذف آن دو تحلیل اطلاعات انجام شد. در این میان ضمن استفاده از سؤالاتی در ارتباط با میزان رضایت زنان از پارک بهشت مادران و تاثیر آن بر گذران فراغت آنها به بررسی میزان ارتباط متغیرهایی همچون سن، تاهل، شغل؛ تعداد فرزندان، تحصیلات افراد، تحصیلات همسر بر اوقات فراغت آنها پرداختیم به طور کلی از روش آماری ناپارامتری که برای تحلیل متغیرهای از نوع نامشخص و با مقیاس ترتیبی و اسمی کاربرد دارد استفاده شده است. به گونه‌ای که برای هر کدام از آنها با توجه به انواع آنها از آزمون‌های همبستگی مختلف (فی - کرامر و اسپیرمن) استفاده شد. به این

صورت که برای متغیرهای سن، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات زنان و میزان تحصیلات همسر آنان که دارای مقیاس رتبه‌ای بودند از روش همبستگی اسپیرمن و برای متغیرهای شغل و وضعیت تاهل که دارای مقیاس اسمی بودند از آزمون همبستگی فی - کرامر استفاده شد.

معرفی بوستان بهشت مادران

بوستان بهشت مادران در جنوب شرقی محدوده منطقه ۳ شهرداری و در بزرگراه رسالت تقاطع اتوبان حقانی و خیابان شهید کاوه واقع شده است. این بوستان نزدیک به بیست هکتار وسعت دارد. و در مکانی ایده آل بر روی تپه‌ها ساخته شده و مملو از درخت های سرسبز و پرشاخ و برگ است. به نظر می رسد در پهنه شمالی شهر تهران تنها نقطه‌ای که امکان ایجاد پارک بانوان را داشت، این مکان بود که به دلیل نداشتن مشرف می‌تواند محیطی مناسب برای بانوان باشد تا بدون محدودیت درپوشش از این پارک استفاده و ورزشهای گوناگون را پیگیری کنند.

بوستان بهشت مادران در حال حاضر باتوجه به عمومی بودن آن برای همه اقشار سنی بانوان، مجهز به پیست‌های معمولی و حرفه‌ای دوچرخه سواری، سالن ورزشی شامل زمین والیبال و بسکتبال، سالن تیر و کمان، وسایل بازی کودکان، ابزار و لوازم تندرستی در فضای باز بوستان، سرویس‌های بهداشتی مناسب، آلاچیق و نیمکت و مسیرهای مناسب پیاده روی است.



SHIRZANAN/ PHOTO: MARYAM MAJD

یافته‌های تحقیق

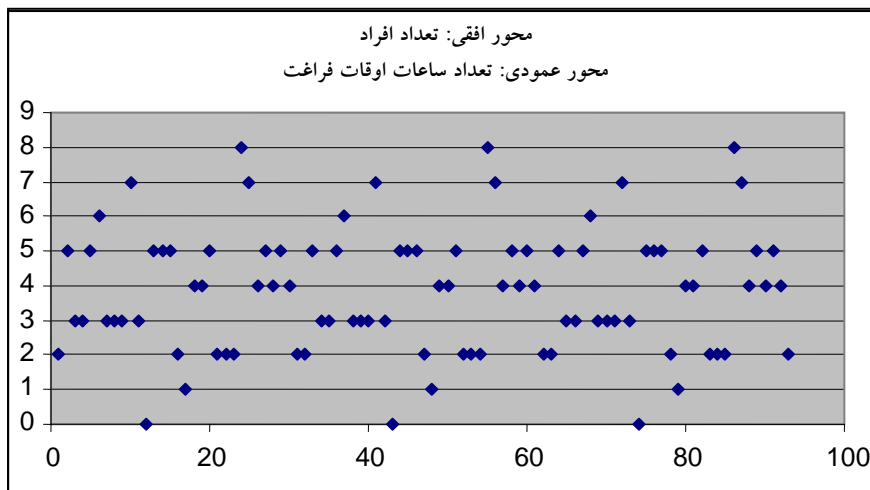
در این پژوهش برای بررسی تاثیر فضاهای فراغتی بر گذران اوقات فراغت زنان پارک مخصوص بانوان (بوستان بهشت مادران) در تهران مورد مطالعه قرار گرفته است، از تعدادی از زنان که از این فضا استفاده کرده اند، به صورت پژوهش میدانی سؤالاتی شده است. جامعه آماری مورد نظر ما در پژوهش تعدادی از زنان (۹۳ نفر) بوده اند که در روزهای مختلف به خصوص روزهای تعطیل به این پارک رفت و آمد داشته اند. از این رو متغیرهای مورد نظر در راستای تحقیق برای کشف مسئله مورد نظر که میزان مشارکت افراد در این فضاها و تاثیر این فضاها بر گذران اوقات فراغت آنها و همچنین میزان رضایت آنها از پارک مورد نظر بود به صورت سوالات باز و بسته مطرح شد. همچنین مشخصات فردی آنها نیز از پرسش شونده‌گان استخراج شد تا در تاثیر آنها بر متغیرهای دیگر مورد سنجش قرار گیرد.

به طور کلی از میان پرسش شونده‌گان، ۴۲ درصد افراد در گروه سنی ۱۵-۲۵ سال و ۴۲ درصد دیگر در گروه ۲۵-۳۵ سال قرار داشتند همچنین ۶/۵ درصد در گروه ۳۵-۴۵ و ۶/۵ درصد در گروه ۴۵-۵۵ و ۳ درصد بقیه در گروه ۵۵ به بالا قرار داشتند. همان طور که ملاحظه می شود درصد بالایی از افراد مورد نظر را افراد جوان تشکیل دادند که عمدتاً به صورت گروهی از این پارک استفاده می کنند زیرا بیشتر آنها (۸۷/۲ درصد) ترجیح داده‌اند تا با دوستان خود به این پارک بیایند. همچنین از نظر میزان تحصیلات، ۷۱ درصد آنان دارای تحصیلات لیسانس، ۱۹/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۶/۴ درصد زیر دیپلم و ۳/۳ درصد دارای تحصیلات دکتری و بالاتر بوده‌اند. از این منظر می توان گفت که امر فراغت برای زنان تهرانی امر مهمی تلقی شده و از این فضا برای استفاده از گذران فراغت خود استفاده می کنند. بدیهی است که مطالبات این دسته از زنان با تحصیلات بالا و دانشگاهی متفاوت از زنان با تحصیلات پائین تر است. این مسئله در ارتباط با دیدگاه موریش که در قسمت مبانی نظری ذکر شده قرار می گیرد. زیرا وی معتقد است کیفیت فعالیتهایی که هر فرد دنبال می کند تا حدود زیادی نشانگر سابقه اجتماعی و یادگیری اوست. با نگاهی به استفاده کنندگان از پارک نیز به نظر می رسد تحصیلات دانشگاهی این افراد و

انتظارات و نحوه گذران اوقات فراغت آنها را به سمت استفاده از پارک مخصوص زنان سوق داده است. به خصوص آنکه ۶۱/۳ درصد آنان را زنان متأهل تشکیل می‌دهند. یعنی با وجود دغدغه‌های ناشی از زندگی متأهلی و مسئولیت‌های خاص خود، گذران اوقات فراغت را برای خود امری بدیهی و لازم می‌شمارند. از طرف دیگر ۶۴ درصد آنان شاغل دارای درآمد و یا دانشجو بوده‌اند که با وجود اشتغال گذران اوقات فراغت را امری ضروری می‌پنداشتند. بنابراین، می‌توان گفت که تحصیلات دانشگاهی بر دید زنان از اوقات فراغت بسیار تاثیرگذار است. در نتیجه به نظر می‌رسد که بسیاری از زنان گذران اوقات فراغت خود را در بیرون از خانه و به طور کلی سازمان یافته حق خود پنداشته و نمی‌توان گفت که از حقوق خود برای اوقات فراغت آگاهی ندارند زیرا تحصیلات زنان شهری به آنها آگاهی خواهد داد. از طرف دیگر از آنجایی که تحصیلات همسر این افراد نیز می‌تواند عاملی تاثیرگذار در گذران اوقات فراغت آنان باشد، این عامل نیز مورد سنجش جامعه آماری قرار گرفت به طوری که ۶۱/۳ درصد از همسران آنان دارای تحصیلات دانشگاهی (عمدتا لیسانس) بوده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد نوع برخورد مردان تحصیلکرده با همسرانشان در ارتباط با اوقات فراغت متفاوت باشد.

در ارتباط با تعداد ساعات اوقات فراغت، ۳۵/۵ درصد افراد مورد مطالعه، ۳-۴ ساعت و ۲۹ درصد افراد بین ۵-۶ ساعت و ۲۲/۶ درصد افراد نیز ۱-۲ ساعت و همچنین ۹/۵ درصد افراد نیز بین ۷-۸ ساعت در روز اوقات فراغت داشتند که برنامه‌ریزی برای این تعداد از ساعات برای زنان، امری حساس و ضروری است. ۳/۵ درصد افراد به این سوال پاسخ ندادند. (جدول ۱)

جدول ۱. ساعات اوقات فراغت زنان



از طرف دیگر در مورد نحوه گذران اوقات فراغت نیز ۴۳/۵ درصد از زنان آمدن به پارک را اولویت اول برای گذران اوقات فراغت خود دانسته و ۲۶/۲ درصد نیز مطالعه را دومین اولویت در نظر گرفته اند. ۸/۷ درصد زنان ورزش، ۸/۷ درصد زنان اینترنت، ۴/۳ درصد تلویزیون و موزیک، ۴/۳ درصد گفتگو با دوستان و ۴/۳ درصد رفتن به سینما را شیوه های گذران اوقات فراغت خود عنوان کرده اند. در این رابطه روند رو به رشد استفاده از فناوری در گذران اوقات فراغت جالب توجه است که این مسئله نیز در رابطه با سن و تحصیلات زنان مورد مطالعه قرار می گیرد.

اما نکته جالب در ارتباط با اولویت اول زنان برای استفاده از این پارک مطالب ما را با یکی از مطالب مطرح شده توسط گائل ژیلو پیوند می دهد که اذعان می دارد زنان فقط در نقطه هایی خاص احساس تعلق دارند و آن پارک یا باغهای عمومی است. به نظر می رسد در پژوهش حاضر نیز این پارک این موقعیت را بوجود آورده است تا زنان شهری با یکدیگر جمع شده و در آن توقف داشته باشند.

علاوه بر این سؤالاتی در ارتباط با خود پارک بهشت مادران مطرح شد که نشان دهنده موفقیت یا عدم موفقیت پارک بهشت مادران است.

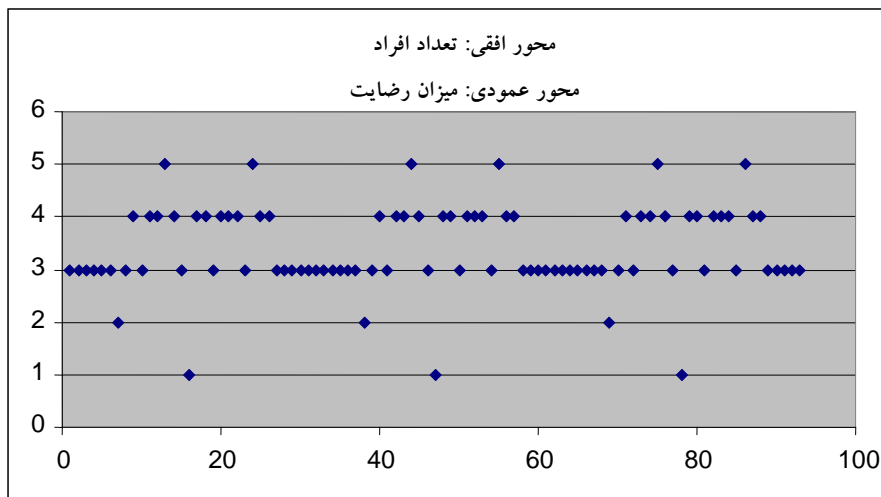
بدین ترتیب که ابتدا از آنان درباره علت استفاده از این پارک پرسش به عمل

آمد و ۶۷/۷ درصد افراد علت اصلی استفاده از پارک را نزدیکی به محل سکونت و احساس آرامش به دلیل عدم حضور آقایان و ۱۹/۴ درصد نیز فضای خوب و زیبای پارک، ۹/۷ درصد مطالعه و ۳/۲ درصد نیز ورزش را علت استفاده می دانستند. این مسئله نیز در ارتباط با یکی از دیدگاههای مطرح شده در مبانی نظری طرح قرار گرفته است زیرا ایجاد محیطی امن یکی از علل افزایش تعامل اجتماعی در افراد خواهد بود. و به ارتقای کیفیت فضاهای شهری خواهد انجامید و همچنین به نظرمیشل باندز فضا جنسیت زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه تحت تاثیر این احساس ناامنی تشدید می شود. ترس از خشونت و تعدی اعتماد به نفس تعدادی از زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آنها محدود کرده است. این مسئله در پارک مخصوص بانوان نیز به دلیل اینکه درصد بالایی از زنان دلیل استفاده از پارک را احساس آرامش ناشی از عدم حضور مردان ذکر می کنند کاملاً مشهود است. در نتیجه فضای مردانه عمومی و ناهنجار خارج از پارک زنان را به سمت چنین فضاهایی می کشاند.

نکته قابل توجه این است که با وجود اینکه در نحوه گذران اوقات فراغت مطالعه را در اولویت قرار داده بودند اما در استفاده از پارک مذکور چندان آن را مورد نظر قرار نداده اند زیرا می توان در منزل نیز به مطالعه پرداخت. اما نکته جالب تر این است که ورزش در گذران اوقات فراغت زنان تهرانی چندان جایگاهی نداشته است به طوری که تنها ۸/۷ درصد از زنان، ورزش را برای گذران اوقات فراغت در نظر گرفتند (این امر در علت استفاده از پارک مذکور که در بالا ذکر شد نیز مشهود است. یعنی تنها ۳/۲ درصد افراد علت استفاده خود از پارک بهشت مادران را ورزش مطرح کردند.

در مورد میزان رضایت از پارک نیز، ۵۱/۵ درصد افراد به میزان متوسط (گزینه ۳) و ۳۵/۵ درصد افراد به میزان زیاد (گزینه ۴) و ۶/۴ درصد به میزان خیلی زیاد (گزینه ۵) از احداث و استفاده از پارک رضایت داشتند و تنها ۶/۶ درصد افراد از پارک رضایت کم و خیلی کم داشتند (گزینه ۱ و ۲). در نتیجه به نظر می رسد که این پارک به دلیل خصوصیات خاص خود مورد رضایت میزان بالایی از زنان باشد. (جدول ۲).

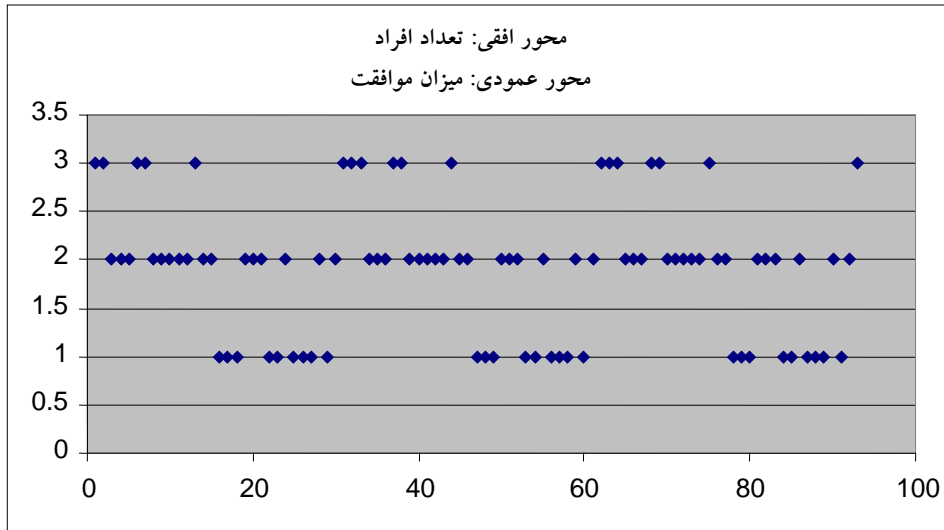
جدول ۲. میزان رضایت از پارک بهشت مادران



در مورد زمان استفاده نیز ۸۴/۶ درصد افراد عصر را برای استفاده از پارک انتخاب می کنند زیرا با توجه به اشتغال در زمان عصر فراغت بیشتری برای آنان به وجود می آید.

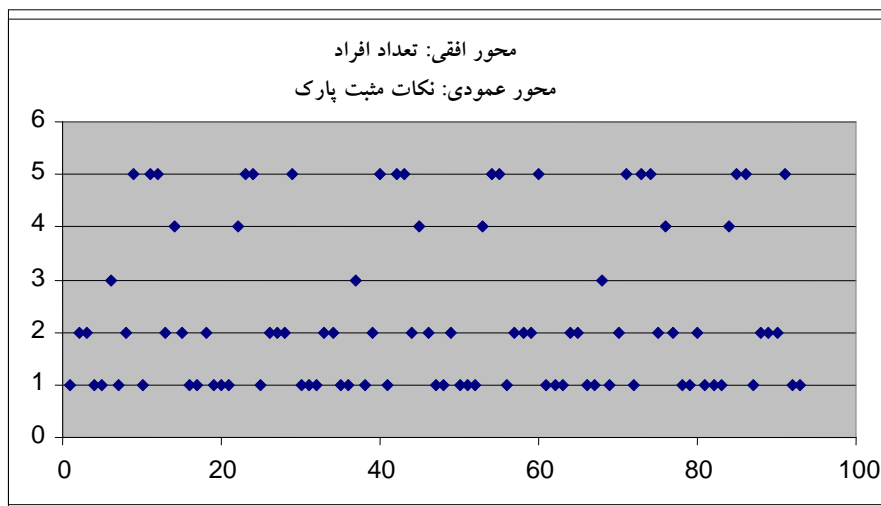
یکی از سوالات مهم در ارتباط با افزایش پارکهای مخصوص زنان بود که درصد بالایی از افراد (۸۰/۶ درصد) موافق افزایش این تعداد پارکها بوده و موافقت خود را به صورت زیاد و خیلی زیاد اعلام کردند (گزینه ۱ و ۲) و برای ۱۹/۴ درصد نیز این قضیه تفاوت چندانی نداشته است و گزینه "برایم فرقی نمی کند" (گزینه ۳) را انتخاب کردند (جدول ۳)

جدول ۳. میزان موافقت افراد با احداث پارک مخصوص بانوان



در این ارتباط از نظر ۴۱/۹ درصد زنان تهرانی، عدم حضور مردان و احساس آرامش و امنیت به این دلیل، اولین نکته مثبت ساخت پارک ویژه زنان بوده (گزینه ۱) و از نظر ۲۹ درصد آنان فعالیت در فضای باز و زیر نور آفتاب و تامین سلامت جسمی آنان نکته مثبت دوم این پارک می باشد (گزینه ۲) و ۱۹/۴ درصد آنان نیز مسائل ایدئولوژیکی خاص کشورهای اسلامی را در این امر موثر دانسته و معتقد بودند که در یک کشور اسلامی که زنان باید با حجاب در فضاهای عمومی حضور یابند اصولاً ساخت همچنین پارکهایی برای زنان تماماً مفید است (گزینه ۵) همچنین ۶/۴ درصد نیز نزدیکی به محل کار یا سکونت را از مهمترین نکات مثبت این پارک دانسته (گزینه ۴) و تنها ۳/۳ درصد از آنان معتقد بودند که این پارکها نکته مثبتی ندارد و موافق با ساخت پارکهای مخصوص زنان نبودند (گزینه ۳). (جدول ۴).

جدول ۴. نکات مثبت پارک بهشت مادران از نظر شهروندان استفاده کننده از پارک



این نکات در ارتباط با گفته های دکتر فرانسیس بارت که در قسمتهای قبل ذکر شده قرار می گیرد و این مسئله را در پارک مذکور تأیید می کند که آهنگ زندگی در پارک برای زنان به دلیل وجود امنیت و عدم احساس ناامنی که در بیرون از فضای پارک برای زنان وجود دارد، تغییر می یابد و فضای مطبوعی را برای آنان ایجاد می کند. به طوری که پارک برای زنان نماد معصومیت، پاکی و نبود جرم است و این مسئله با توجه به یافته های تحقیق در این قسمت تأیید می شود.

از طرف دیگر ۷۷/۴ درصد زنان مخالف این عقیده بودند که این نوع پارکها ممکن است به رواج فرهنگ جدایی گزینی و جنسیتی شدن تمام فضاهای شهری منجر شود.

بعد از سؤالات مربوط به میزان رضایت از پارک به بررسی میزان ارتباط متغیرهای فردی افراد در تعداد ساعات اوقات فراغت پرداخته شد. همان طور که در بخش روش تحقیق نیز اشاره شد، برای متغیرهای سن، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات زنان و میزان تحصیلات همسر آنان که دارای مقیاس رتبه ای بودند از روش همبستگی اسپیرمن و برای متغیرهای شغل و وضعیت تاهل که دارای مقیاس اسمی بودند از آزمون همبستگی فی - کرامر استفاده شد و در نهایت رابطه معناداری

میان تحصیلات با تعداد ساعات اوقات فراغت وجود داشته است (در سطح معناداری ۹۵ درصد) و با بقیه عوامل روابط چندان معناداری نداشته است. بدین صورت که ضریب همبستگی بین آن دو متغیر (۰.۲۲۶-) برآورد شد که حکایت از وجود ارتباط معنی‌دار معکوس میان این دو متغیر دارد و هر چه تحصیلات بالاتر باشد تعداد ساعات فراغت کاهش می‌یابد که مهمترین علت آن می‌تواند اشتغال افراد با تحصیلات بالا باشد. نکته قابل توجه در ارتباط با ساعات اوقات فراغت، استفاده از تعداد ساعات و زمان فراغت زنان است به طوری که زنان چگونه می‌توانند از این ساعات که بعضاً به ۷-۸ ساعت در روز نیز می‌رسد، استفاده مفیدی به عمل آورند. در نهایت زنان تهرانی مشکلات فراغتی خود را اینگونه عنوان کرده که در درجه اول نبود فضاهای فراغتی کافی، آزاد یا باز و مناسب برای زنان مانع گذران اوقات فراغت آنان به شکلی صحیح است به طوری که ۴۴ درصد افراد آن را به عنوان مشکل اول مطرح کرده‌اند در درجه دوم نبود احساس امنیت توسط زنان و فضای مردسالارانه در جامعه مانع محسوب می‌شود که ۳۸ درصد افراد به آن اشاره داشته‌اند. همچنین ۹ درصد مشکلات فرهنگی و ۹ درصد مشکلات اقتصادی را مشکلات فراغت خود دانسته‌اند.

نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر ضمن اثبات اهمیت پارک مخصوص بانوان در تهران برای گذران اوقات فراغت بخشی از زنان تهرانی نکات مهمی را در پی داشت. نکات زیر یافته‌های برگرفته از تجزیه و تحلیل، می‌تواند در برنامه‌ریزی این فضاها مفید باشد.

نتایج نظرسنجی از زنان درباره اولویتهای فراغتی آنان نشان داد که پارک اولویت اول آنها در گذران اوقات فراغت است. در نتیجه اهمیت پارک به منزله فضای شهری در جهت پاسخ‌دهی به مطالبات فراغتی زنان تهرانی نقش زیادی دارد و در صدر اولویتهای آنها قرار گرفته است.

از طرفی استفاده اکثر زنان از پارک در زمان عصر به علت اشتغال آنها و یا آزاد

بودن وقت آنها در زمان عصر، باید برنامه های عصرگاهی برای زنان را در اولویت برنامه های متولیان این پارک قرار دهد.

با توجه به اینکه اکثریت افراد در مورد احداث پارک مذکور احساس رضایت کرده بودند به نظر می رسد مطالبات فراغتی موجود در میان بخشی از زنان تهرانی به گونه ای است که در راستای ایجاد پارکهای ویژه زنان به تحقق خواهد پیوست. مثلاً درصد بالایی از آنان علت استفاده از پارک را نبود مردان می دانستند. البته در قسمت های دیگری همچون نکات مثبت احداث پارک نیز بر مطالب ذکر شده صحت گذاشت زیرا اکثریت آنها احساس آرامش به دلیل نبود مردان و امنیت را اولین نکته مثبت احداث این پارکها می دانند که همه این مسائل ارزیابی مثبت عملکرد پارک بهشت مادران را نشان می دهد.

همچنین با محاسبات انجام شده میزان تحصیلات رابطه معناداری (رابطه معکوس) با ساعت اوقات فراغت آنها داشته است که در این زمینه نیز برنامه ریزی برای زنان تحصیلکرده باید مورد توجه برنامه ریزان امور فراغتی قرار گیرد.

در ارتباط با یکی از مباحث مطرح شده در مبانی نظری که توجه خاص به امنیت جنسیتی و حضور موثر و تعاملی زنان در محیط های عمومی شهری را حائز اهمیت دانسته است (بدان معنا که ضمن توجه به تفاوت های فیزیولوژیک و تأمین نیازهای لازم برای تأمین آن) باید به مفهوم مشارکت روحی و اجتماعی زنان در ایجاد و تقویت امنیت محیط های شهری نیز توجه شود این امر ضمن تقویت حس تعلق مکانی، حس ترس و ناامنی آنها از حضور موثر و تاثیرگذار در فضاهای شهری را از بین می برد. نتایج تحقیق نشان دهنده اهمیت وجود امنیت در فضاها برای زنان است زیرا در قسمت تجزیه و تحلیل نیز برای بسیاری از زنان موضوع امنیت آنها را به استفاده از فضاهای ویژه سوق داده است به طوری که با توجه به ارزیابی مثبت از این نوع پارک احداث آنها می توان گامی در جهت ارتقای امنیت زنان در محیط های شهری دانست. از طرف دیگر همان طور که در قسمت پیشینه تحقیق نیز ذکر شد، گسترش تسهیلات فراغتی برون خانگی از جمله فرهنگسراها و مراکز ورزشی و تفریحی برای زنان به ویژه دختران جوان، ابعاد آسیب زای گذران فراغت در

فضاهای بسته را کاهش می‌دهد.

یکی از نتایج مورد توجه دیگر نحوه گذران وقت در پارک است که خلاهایی همچون نداشتن برنامه‌های مدون و منظم ورزشی برای ایجاد انگیزه تحرک در افراد (در ساعات عصر و اوج مراجعه به پارک) باعث گذران اوقات فراغت افراد بدون برنامه‌ریزی مشخصی می‌شود. با توجه به اینکه اکثر افراد علت استفاده از پارک بهشت مادران را دسترسی و احساس آرامش می‌دانستند، ورزش جایگاه زیادی در استفاده از این پارک نداشته است که با توجه به میانگین سنی افراد استفاده‌کننده از پارک که در سن جوانی و میانسالی قرار دارند اهمیت ورزش دو چندان به نظر می‌رسد و از آنجایی که ورزش در ارتقای سلامت جسمی و روحی آنان بسیار تاثیرگذار خواهد بود در نتیجه باید برنامه‌های مدونی در جهت افزایش فعالیتهای ورزشی زنان در این پارکها بوجود آید تا انگیزه لازم برای تحرک به وجود آید. در نهایت با توجه به رضایت زنان از این فضاها به نظر می‌رسد که احداث این پارکها می‌تواند به عنوان الگوی فضایی برای زنان کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد و به منزله یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری انگیزه در زنان برای گذران مفید اوقات فراغت خود معرفی شود.

کتابنامه

الف: فارسی

۱. اباذری، یوسف، سهیلا صادقی فسایی، و نفیسه حمیدی، (۱۳۸۷)؛ «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»؛ پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱.
۲. الهام پور، حسین و محمدجعفر پاک سرشت، (۱۳۸۲)؛ بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران؛ مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دهم، شماره های ۳ و ۴.
۳. پوراسماعیل، احسان (۱۳۸۵)؛ «بهره وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه شناسان و مقایسه آن با آموزه های وحیانی»، پژوهش دینی، شماره چهاردهم.
۴. تندنویس، فریدون (۱۳۸۱)؛ «جایگاه ورزش در اوقات فراغت زنان ایرانی»؛ فصلنامه حرکت، شماره ۱۲.
۵. دومازدیه، ژوفر (۱۳۵۴)؛ «زمان فراغت از دیدگاه تاریخی و جامعه شناسانه»؛ ترجمه م. آدینه، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲.
۶. راسل، برتراند (۱۳۴۹)؛ در ستایش فراغت؛ ترجمه ابراهیم یونسی، نشر اندیشه.
۷. راوندی، مرتضی (۱۳۶۷)؛ تاریخ اجتماعی ایران؛ جلد چهارم؛ تهران: امیر کبیر.
۸. رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷)؛ عوامل تاثیرگذار بر زمان و فضای فراغت؛ موجود در: <http://anthropology.ir>
۹. رفعت جاه، مریم، «جنسیت و اوقات فراغت در عرصه های زندگی شهری»، فصلنامه انسان شناسی، شماره ۴، موجود در <http://anthropology.ir>.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی؛ تهران، انتشارات کیهان.
۱۱. سمینار رفاه اجتماعی (۱۳۵۲)؛ مجموعه مقاله های کمیته گذران اوقات فراغت؛ دبیرخانه شورای عالی رفاه اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه تهران.
۱۲. فرهودی، رحمت الله و دیگران (۱۳۸۸)؛ سیمای شهر؛ سازمان شهرداریها و دهیاریهای

کشور، کتابخانه الکترونیک.

۱۳. فکوهی، ناصر (۱۳۷۹)؛ از فرهنگ تا توسعه (توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران)؛ تهران، انتشارات فردوس.

۱۴. قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۶)؛ کار و فراغت ایرانیان؛ نشر اختران.

۱۵. کوپر مارکوس، کلر و کارولین فرانسیس (۱۳۸۲)؛ «تجارب نوین در فضاهای باز شهری» ترجمه جواد مهدیزاده؛ فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ششم، پائیز ۱۳۸۲.

۱۶. لس، هیوود و همکاران، (۱۳۸۰)؛ اوقات فراغت؛ ترجمه محمد احسانی، نشر امید دانش.

۱۷. موریش، ایو (۱۳۷۳)؛ درآمدی به جامعه شناسی تعلیم و تربیت؛ ترجمه غلامعلی سرمد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۱۸. نیک پور، صغری و دیگران (۱۳۸۴)؛ «بررسی نوع و مدت فعالیتهای فیزیکی زنان شاغل در حیطه های شغلی و اوقات فراغت»؛ مجله دانشگاه علوم پزشکی ایران، تابستان ۸۴، شماره ۴۶.

ب : انگیزی

19. Brady, Martha (2005) **Safe Spaces for Adolescent Girls**, Population Council, available:
20. [www. Beverley.gov.uk](http://www.Beverley.gov.uk).
21. M.Lubuva, John and Anna Mtani (2004) **Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam, Safety Audits for Women**, Dar es Salaam, Tanzania, 13-17. Making Safer Places, Women's Safety in our Citis, National Conference, Conference Report, London, 18th November 2005.
22. Travis. A.S,(1982), **leisure, recreation and tourism in Western Europe**, tourism management.

